

ز دند و سبوی بر زمین افتاد سه بار لا اله الا الله گفت دو بار بلند
و یکبار آهسته **اولیس قرنی رحمة الله تعالی** امیر المؤمنین عرضی
اندهند در عهد خلافت خود در موسم حج مردمان گفت بریای خیرید
پس گفت بنشینید مگر اهل کوفه پس گفت اهل کوفه بنشینید مگر آنکه
از مردان پس گفت برادبان بنشینید مگر آنکه کسی که از قرنی باشد یک
کس بریای ماند و آن آئیس بود عم او ایس امیر المؤمنین عمر
رضی الله عنه از آئیس پرسید که او ایس را می شناسی آئیس گفت
تو ویرا چه می پرسی ای امیر المؤمنین و الله که در میان ما از وی
نادان تر و درویش تر و محتاج تر کسی نیست عرضی الله عنه
بگفت و گفت سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول یوشل
الجنة بشفا عند مثل ربيعة و مضر هر م بن حیان رحمة الله کورده
چون این خبر بمن رسید بگو فرختم و مرا هیچ مقصودی نبود
چو دریافت صحت وی ناگاه در میان زد و ز بشار فرات رسیدیم
دیدم که وضوی سازد و مرا بشناختم زیرا که حلیه ویرا شنیده
بودم بروی سلام گفتم جواب داد خواستم که مصافحی کنم مصافحی
نکرد گفتم بر حکم الله یا او ایس و غمگ که کیف است رحمة الله
بعد از آن گریه بر من زور کرد از غایت محبتی که با وی داشتم
و وی نیز گریست چون از گریه فادغ شدیم گفت خاک الله
یا هر م بن حیان کیف است یا ای تر که بجز دهنهای که گفتم ضای

تعالی

تعالی لا اله الا الله سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا
از وی پرسیدم که نام من و نام پدر مرا از کجا دانستی و پیش
ازین هرگز ترا ندیده ام فرمود که آنانی العیون الخیر و بعد از آن
سخنان دیگر فرمود و در آخر موعظه کردی فرمود و گفت مات
محمد صلی الله علیه و سلم و مات ابو بکر خلیفه رسول الله و مات
انجی و ضعیفی عمر بن الخطاب می گفتم رحمة الله بنور عمر فرمود
است گفت بلی مرده است فدای تعالی چه کردی می پرسد می پرسد
و بعد از آن سخنان دیگر فرمود و مراد عاتق می پرسد که در آخر
گفت السلام علیک و رحمة الله و بركاته بعد از این دیگر ترا
خواهم دید و روان شد خواستم که با وی قدی چند بروم
کنذاشت در تقای وی می گفتم وی می گفتم تا بگویم جهای
کوفه در آمد بعد از آن هر چند در طلب وی شتافتم از وی
بیج اثر و جزئیاتم آما بر من بیج هفت گذشت که در ایبار
و دوبار در خواب ندیدم از وی آرند که در آذربایجان
که بنزارفته بود و مرا اوقات رسید اصحاب وی خواستند که
قبر وی بکنند بسکی رسیدند که قبری در آن کنده بودند و حد
آنرا همی ساخته و خواستند که کفن سازند در جانه دان
وی جامها یافتند که دست باف بی آدم نبود و میرا از آن
کفن ساختند و در آن قبر دفن کردند **میمون بن شیبب رحمة الله**

اولیس قرنی قدس سره است هر که
سبزه دوست دارد در روز آخر کار کردان
بدر زود کند و در کلام حق جزین
و در جمیع ایام بخشد و سوسه باه
نشتن از کون شرح عطار
اولیس قرنی روح الله رحمة الله علیه
فی الوصفه سلاطین در نهالی است و
پناهی و نهان آن بود که هر که در راه
و وصیه آن بود که خالصت در کفایت است
بود از نهالی بصورت کبری در است
نبرد از سلطان یمن بنی الانبیا صلوات
رسولت صلی الله علیه و سلم